حادثه‌ها

پایان کری‌خوانی با سرقت

● **شرق:** چهار جوان بعد از دستگیری انگیزه خود را از سرقت، کری‌خوانی با شاکی اعلام کردند.

سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی پایتخت گفت: هشتم دی سال گذشته زن جوانی به کلانتری ۱۳۶ فرجام مراجعه و اعلام کرد حدود ساعت ۲۰:۳۰ در خیابان هنگام با یکی از دوستانم که در داخل خودرو ۲۰۶ من حضور داشت، در حال مراجعه به منزلمان بودیم که ناگهان یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ با چهار سرنشین جلوی خودروی ما آمد و باعث انحراف خودروی ما شد و پس از توقف، سه جوان حدودا ۲۵ساله به‌سرعت از خودروی ۴۰۵ پیاده و با سلاح سرد به سمت من حمله‌ور شدند. کمی مقاومت کردم و ناگهان یکی از این افراد با چماق بر سر من کوبید و گوشی سامسونگ من را به ارزش حدود ۴۵ میلیون ریال، سرقت کردند و برای اینکه نتوانم تعقیبشان کنم، سوئیچ خودروام را گرفتند و به محل غیر قابل دسترسی انداختند و از محل گریختند.

رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی پایتخت افزود: با توجه به اهمیت موضوع، اکیپی از کارآگاهان دایره مبارزه با سرقت‌های خاص پایگاه چهارم پلیس آگاهی به محل سرقت اعزام و در بررسی میدانی موفق شدند شماره انتظامی پلاک خودرو را به دست بیاورند.

این مقام پلیسی بیان کرد: در گام بعدی از تحقیقات پلیسی، با هماهنگی‌های قضائی، مالک خودروی پژو ۴۰۵ به پایگاه چهارم پلیس آگاهی احضار شد و مشخص شد خودرو در روز سرقت در اختیار فرزندش به نام کیوان بود و هم‌اکنون وی با دوستانش متواری شده و در یک خانه مجردی زندگی می‌کند.

او با بیان اینکه با شناسایی مخفیگاه کیوان کارآگاهان موفق به دستگیری وی شدند، گفت: کیوان پس از انتقال به پلیس آگاهی، به جرمش اعتراف و بیان کرد: قبل از سرقت ابتدا با شاکی در اتوبان مسابقه گذاشتیم و مردی که در قسمت عقب خودرو نشسته بود، شیشه خودرو را پایین کشید و یک بطری که داخل آن آب و آشغال سیگار بود، به سمت ما پرتاب کرد. پس از کمی تعقیب در خیابان هنگام، سه نفر از دوستانم به نام‌های وحید، رضا و سینا از خودرو پیاده و با شاکی درگیر شدند.

این مقام انتظامی گفت: با دستور قضائی هر سه متهم دیگر نیز در دهم اردیبهشت دستگیر شدند و اعلام کردند قصدشان سرقت نبوده، بلکه برای کری‌خوانی این کار را انجام داده‌اند و موضوع درگیری را بیان کردند. سینا بیان کرد گوشی شاکی در اختیار او است.

رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی در پایان گفت: با توجه به تکمیل پرونده و اظهارات صریح متهمان، هر چهار متهم برای سیر مراحل قانونی و صدور قرار قانونی، در اختیار دادسرا قرار گرفته‌اند.

دستگیری ۳ قاچاقچی موادمخدر در مترو

● **شرق:** سه قاچاقچی در متروی تهران دستگیر شدند و از آنها شش کیلو مواد مخدر کشف شد.

سرهنگ سعید عطاالهی، رئیس پلیس متروی پایتخت، با اشاره به کشف شش کیلو مواد مخدر در متروی پایانه جنوب و دستگیری سه پسر جوان اظهار کرد: صبح روز گذشته عوامل گشت آشکار ایستگاه پایانه جنوب هنگام گشت‌زنی در سکوی مسافربری مترو، به سه پسر جوان مشکوک شدند.

وی افزود: این سه پسر به همراه خود کوله‌پشتی‌های بزرگی داشتند که به محض مشاهده مأموران، مسیر خودشان را عوض کردند و سعی داشتند از سالن مترو خارج شوند.

رئیس پلیس متروی پایتخت گفت: این موضوع باعث شد عوامل گشت آشکار پلیس مترو به این سه نفر مشکوک شوند و آنها را متوقف کرده و برای بررسی محتویات کوله‌پشتی‌ها، به ایستگاه پلیس مترو منتقل کنند.

او تصریح کرد: پس از انتقال این افراد به ایستگاه پلیس مترو، با بررسی کوله‌پشتی‌های آنها، مشخص شد در هر کوله‌پشتی بسته سیاه‌رنگ بزرگی قرار دارد که داخل هرکدام از این بسته‌های سیاه‌رنگ، مواد مخدر از نوع گراس به وزن تقریبا دو کیلوگرم وجود دارد.

عطاالهی گفت: بعد از توزین و تجمیع این بسته‌ها، مشخص شد شش کیلوگرم ماده مخدر از نوع گراس همراه این سه جوان بوده است.

وی تصریح کرد: با بررسی‌های دقیق‌تر، مشخص شد این افراد که بین ۲۰ تا ۲۳ سال دارند، این مواد را از یکی از شهرستان‌های شمالی تهران خریداری کرده‌اند و قصد داشتند با انتقال از طریق مترو، این مواد مخدر را به پایانه جنوب برسانند و بعد به یکی از شهرستان‌ها انتقال دهند که البته با هوشیاری مأموران پلیس مترو نقشه این افراد نقش بر آب می‌شود.

عطاالهی گفت: افراد دستگیرشده فاقد سابقه کیفری بودند و در اعترافاتشان اقرار کردند به‌منظور کسب درآمد، این کار را انتخاب کرده‌اند و می‌خواستند محموله مواد مخدر را به یکی از شهرستان‌ها ارسال کنند.

پسر بیمار، پدرش را کشت

شرق: پسری که پدرش را کشته است، مدعی شد او را زوج دیگری بزرگ کرده بودند و پدرش آنها را به قتل رسانده بود. این پسر به زودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، یک سال قبل دختر جوانی آشفته و پریشان به خیابان آمد و از مردم درخواست کمک کرد و گفت پدرش زخمی شده است. زمانی که مأموران به محل رفتند، تحقیقات گسترده‌ای را در این خصوص آغاز کردند و متوجه شدند مرد مجروح جانش را از دست داده است. با انتقال جسد این مرد به پزشکی قانونی، بررسی‌های مأموران وارد مرحله‌ای تازه شد. دختر جوان به پلیس گفت: برادرم عامل قتل پدرم است. برادرم در اتاقش با صدای بلند موسیقی گوش می‌کرد، پدرم اعتراض کرد و از او خواست صدا را کم کند، اما برادرم عصبانی شد و با چاقو به دنبال پدرم افتاد و درحالی‌که پدرم داشت فرار می‌کرد، او را در راه‌پله به قتل رساند.

مأموران پسر جوان را بازداشت کردند. او به قتل پدرش اعتراف کرد، اما مدعی شد علت این قتل صدای بلند موسیقی نبود. متهم گفت: پدر و مادرم من را به دنیا آوردند، اما آنها مرا بزرگ نکردند و دو نفر دیگر من را بزرگ کردند که من خیلی آنها را دوست داشتم. پدرم به آنها حسادت می‌کرد، به همین دلیل یک روز به خانه‌شان رفت و آنها را به قتل رساند. من بابت این موضوع از دست پدرم عصبانی بودم و او را به‌خاطر اینکه ناپدری و نامادری‌ام را کشته بود به قتل رساندم.

وقتی پسر جوان چنین ادعایی را مطرح کرد، مادر و خواهر او

یک‌بار دیگر مورد بازجویی قرار گرفتند، اما آنها گفتند این جوان دچار بیماری روانی است. مادر پسر جوان گفت: پسرم دچار بیماری روانی است و چندین‌بار در بیمارستان بستری شده است. البته مدتی بود حالش خوب شده بود. آخرین‌بار که به بیمارستان رفت، وقتی برگشت، به من و پدرش گفت شما من را به یک خانواده دیگر سپرده‌اید و آنها در این مدت از من به خوبی مراقبت کردند. درحالی‌که چنین زن و مردی وجود نداشتند و ما همیشه خودمان از فرزندمان مراقبت می‌کردیم.

این زن ادامه داد: پسرم فکر می‌کرد ما باعث شدیم از ناپدری و نامادری‌اش جدا شود. پزشکان هم می‌گفتند چنین حرف‌هایی ناشی از بیماری اوست. روز حادثه شوهرم به پسرم گفت کمی صدای موسیقی را کم کند. درگیری‌ای بین آنها نبود، اما یک‌دفعه دیدم پسرم به آشپزخانه رفت و با عصبانیت و درحالی‌که چاقو دستش بود، از آشپزخانه خارج شد و به دنبال پدرش افتاد. شوهرم که می‌دانست پسرم دچار بیماری روانی است، فرار کرد و از طبقه پایین به سمت بالا دوید و می‌خواست خودش را نجات بدهد، اما در طبقه دوم پسرم با چاقو او را زد و روی زمین انداخت.

این زن گفت: به‌خاطر شرایط روانی‌ای که پسرم داشت، ما هیچ‌کدام سربه‌سر او نمی‌گذاشتیم و جروبحث نمی‌کردیم. در این مدت که از بیمارستان مرخص شده بود هم وضعیت خوبی داشت، فقط فکر می‌کرد او را زن و مرد دیگری بزرگ کرده‌اند و همیشه با احترام درباره آنها صحبت می‌کرد درحالی‌که ما هر دو فرزندمان را خودمان بزرگ کردیم. بعد از گفته‌های این زن، پرونده پزشکی پسر جوان مورد بررسی قرار گرفت و متخصصان پزشکی قانونی برای بررسی دقیق وضعیت این جوان تشکیل جلسه دادند و تأیید کردند که او دچار بیماری روانی است.

بعد از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست علیه متهم، با توجه به اینکه اولیای‌دم نیز اعلام گذشت کرده‌اند، پرونده برای رسیدگی به اتهام این جوان به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و متهم به زودی پای میز محاکمه می‌رود.

چگونه می‌شد از قتل رومینا پیشگیری کرد

ایوب اسلامیان؛ دکترای مددکاری اجتماعی: به دنبال قتل رومینا اشرفی، دختر ۱۳ ساله اهل یکی از روستاهای شهرستان تالش، مجددا مباحث زیادی در سطح افکار عمومی مطرح شده است. افراد زیادی درخصوص تبعیض در مجازات علیه عاملان قتل‌های اصطلاحا ناموسی صحبت به میان می‌آورند و برخی نیز به سنت‌های مردسالارانه می‌پردازند که بستر اصلی ارتکاب چنین خشونت‌هایی است. قتل ناموسی، خشن‌ترین نوع خشونت خانوادگی است که توسط مردان خانواده علیه دختران، همسر و خواهران و در مواردی توسط سایر مردان خانواده مانند دایی یا عمو و ... اتفاق می‌افتد.

موضوع اصلی چنین قتل‌های بغرنجی، رفتارهایی است که مردان خانواده آن را خلاف عفت و آبروی خانواده خود ارزیابی می‌کنند و تحت فشارهای اجتماعی معمولا برای دفاع از حیثیت خانوادگی اقدام به کشتن نزدیک‌ترین زنان خانواده می‌کنند. در چنین مواردی همه با تبعیض آشکار در مجازات عاملان قتل‌های ناموسی مخالفت می‌کنند. فارغ از اینکه آیا اعدام می‌تواند مانع از ارتکاب جرائم سنگین و خشن شود، پرداختن به موضوع تبعیض موضوعی منطقی به نظر می‌رسد. کمااینکه در قتل ناموسی توسط شوهر امکان قصاص وجود دارد، بااین‌حال به صورت مکرر شاهد قتل زنان توسط شوهرانشان هستیم. همان‌گونه که مبرهن است، موضوع قتل ناموسی موضوعی پیچیده و چندسطحی است و مداخله در ارتباط با آن هم در سطوح مختلفی می‌تواند جریان داشته باشد؛ از بازنویسی و تغییر مجازات در چنین مواردی گرفته تا بحث مهم دفاع از حقوق زنان و در این مورد حقوق کودکان در معرض خشونت و همچنین مباحث مرتبط با تغییرات هنجاری (Norms Shift) که می‌توان به جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد واگذار کرد.

همچنین مبرهن است که قتل ناموسی همانند بسیاری از آسیب‌های اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با سایر شاخص‌های توسعه انسانی، اعم از وضعیت مالی خانواده، سطح تحصیلات و ... دارد. قتل ناموسی در جوامع سنتی بیشتر اتفاق می‌افتد. در ایران نیز آمار چنین قتل‌هایی با شاخص فقر و محرومیت همبستگی دارد. بااین‌حال این یادداشت درصدد پرداختن به جنبه دیگری از موضوع است؛ اینکه مقتول اصرار کرده است که در صورت تحویل به خانواده کشته می‌شود. عودت زنان و دختران در معرض خشونت موضوع مهمی است که حتما می‌بایست با حساسیت انجام شود. بسیاری از دخترانی که از منزل فرار می‌کنند؛ زنانی که از خشونت‌های شدید در منزل به خانه‌های امن پناه می‌برند و دخترانی که توسط پلیس به همراه فرد دیگر یا به تنهایی دستگیر می‌شوند و ... در معرض خشونت هستند.

این افراد در بافتار ارزشی کشور ما، هنجارهای خانوادگی و اجتماعی را زیر پا گذاشته‌اند و خشم فراوانی متوجه آنهاست که به راحتی امکان قتل آنها را می‌تواند به دنبال داشته باشد. به‌این‌ترتیب متولیان امر نظیر سازمان بهزیستی، کلانتری‌ها، دادسراها و ... لازم است درخصوص شیوه عودت‌دادن دختران و زنان به خانواده به مبحث مهم «ارزیابی خطر: Risk Assessment» و طراحی برنامه امنیت: Safety plane» توجه داشته باشند. منظور از ارزیابی خطر، بررسی میزان مخاطره‌ای است که در صورت بازگرداندن یا تحویل زن یا دختر به خانواده متوجه اوست. درخصوص مورد رومینا اشرفی متأسفانه علائم خطر بسیار آشکار بوده و با وجود اصرار کودک به احتمال قتل او، چنین ارزیابی‌ای صورت نگرفته است.

در ارزیابی خطر وجود برخی عوامل و متغیرها در خانواده‌ای که کودک یا زن قرار است به آنجا عودت داده شود بسیار مدنظر قرار می‌گیرند؛ متغیرهایی نظیر ۱) مصرف مواد و الکل، ۲) خشم خانواده نسبت به موضوع پیش‌آمده و فرد از نظر آنها گناهکار یا مقصر، ۳) سابقه خشونت در خانواده، ۴) نگرش خانواده نسبت به پیشامد مربوطه، ۵) فشار اجتماعی‌ای که به دنبال ماجرا بر خانواده تحمیل شده است و ...

با بررسی موشکافانه و جدی است که می‌توان اطمینان یافت که آیا خانواده آمادگی و پذیرش بازگرداندن امن فرد در معرض خشونت را دارد. نکته مهم بررسی احتمال ارتکاب خشونت توسط تمامی اعضای خانواده و احیانا افراد تأثیرگذار دیگر است و ارزیابی نباید صرفا به بررسی فرد مراجعه‌کننده محدود شود. در چنین مواردی دسترسی به پیشینه خانواده حتی اگر لازم باشد از طریق بازدید از منزل و محل زندگی، امکان دریافت اطلاعات از سایر منابع محلی، دستگاه‌ها و افراد مطلع ضروری است. در مواردی تجربه نگارنده به‌عنوان مددکار اجتماعی و بررسی تجارب سایر همکاران شاغل در اورژانس اجتماعی، خانه‌های امن، مراکز مداخله در بحران و ... نشان می‌دهد موضوع ارزیابی خطر می‌بایست توسط افراد متخصص و باتجربه انجام شود، زیرا در موارد زیادی احتمال منیپولیت‌کردن فرد ارزیاب توسط خانواده وجود دارد. استفاده از سؤالات باز، بررسی عمیق و تکنیک ایجاد استرس در مصاحبه و بازنمایی احتمال مواجهه مجدد با موقعیت مشابه و ... می‌تواند تصویر عمیق و دقیقی پیش‌روی دستگاه متولی جهت تصمیم‌گیری برای زمان ترخیص و مقدمات آن قرار دهد.

نکته اینکه در مواقعی خود فرد در معرض خشونت، ارزیابی دقیقی از مخاطرات احتمالی ندارد و با رضایت خود به خانواده بازگشته، اما متأسفانه با خشونت شدید خانواده مواجه شده است. نمونه چنین ادعایی، قتل یکی از زنان ساکن خانه امن، تنها دقایقی بعد از بازگشت توأم با رضایت وی نزد همسر بود.

جنبه مهم دیگر ارزیابی خطر، بررسی احتمال خودکشی و آسیب‌زدن به خود توسط فردی است که با بازگشت به خانواده مخالف است. به عبارتی در صورتی که اجبار به بازگرداندن می‌تواند منجر به خودکشی، فرار مجدد و انواع دیگر آسیب‌ها به فرد مرتکب شود. در این موارد از قرنطینه کوتاه‌مدت، آماده‌سازی فرد برای بازگشت و تضمین‌هایی برای تأمین امنیت استفاده می‌شود که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

به‌این‌ترتیب دستگاه‌هایی که به نحوی در دستگیری، پناه‌دادن، قرنطینه یا ارائه خدمات به زنان و دختران خشونت‌دیده، متواری و ... نقشی برعهده دارند باید به اهمیت ارزیابی خطر توسط مددکاران اجتماعی یا روان‌شناسان آموزش‌دیده، متخصص و باتجربه واقف باشند.

موضوع دیگری که درخصوص این گروه از افراد در معرض خشونت وجود دارد، طراحی برنامه امنیت است. منظور از برنامه امنیت، مجموعه اقدامات و تمهیداتی است که دستگاه متولی را از تأمین امنیت فرد بعد از بازگشت به خانواده مطمئن می‌کند. در کنار خودداری از عودت شتاب‌زده و نسنجیده می‌توان به برخی اقدامات مرتبط با برنامه امنیت اشاره کرد که عبارت‌اند از: ۱) عموما فرد یا افراد مورد اعتماد و در دسترس به‌عنوان تضمین‌کننده امنیت شناسایی می‌شوند و در تأمین امنیت کودک یا زن بعد از بازگشت، سهیم می‌شوند؛ ۲) با افرادی که احتمالا دست به خشونت بزنند مذاکره خواهد شد و شیوه‌های کاهش خشم، ممانعت از خشونت و حمایت‌یابی به او آموزش داده می‌شود؛ ۳) از فرد امین درخواست می‌شود به‌ویژه در روزهای اول بازگشت فرد به خانواده تردد زیادی به آنجا داشته باشد و با مداخله همدلانه فضا را به سمت آرامش و خودداری از خشونت سوق دهد؛ ۴) به فرد در معرض خشونت آموزش داده می‌شود از تشدید تنش خودداری کند و با ایجاد حساسیت در وی نسبت به مخاطرات پیش‌رو، شیوه‌های آرام‌سازی شرایط به او آموزش داده می‌شود؛ ۵) آموزش‌هایی برای شناسایی نشانه‌های خشم و خشونت به فرد در معرض خشونت ارائه می‌شود تا در صورت مشاهده آنها سریعا از موقعیت خارج شود، ۶) برخی شماره تماس‌های فوری در اختیار فرد قرار می‌گیرد تا در صورت احتمال خشونت سریعا با آنها تماس بگیرد؛ ۷) به فرد آموزش داده می‌شود چگونه با در دسترس قراردادن برخی اقلام ضروری مانند شناسنامه، تلفن و ... و با شناسایی یک محل برای فرار در زمان خشونت، خود را به امن‌ترین نقطه در دسترس برساند و ...

با همه اینها در مواردی که بیم خشونت بالاست، حتما یک مددکار اجتماعی مسئولیت بازدید منزل، تماس با خانواده و سرکشی از وضعیت را برعهده خواهد داشت. این مددکار اجتماعی با فرد یا افرادی در خانواده یا بستگان که همراه‌تر است و پذیرش بیشتری نسبت به موضوع دارد، در تماس خواهد بود و در صورت احتمال بروز خشونت، سریعا دست به اقدام می‌زند. در نهایت اینکه در ارتباط با تمامی موارد مشابه توصیه می‌شود فرد در اختیار سازمان بهزیستی قرار بگیرد و مقدمات ارائه خدمات یا عودت او از طریق این سازمان تخصصی پیگیری شود. به‌این‌ترتیب اگر چنین مقدمات و اقداماتی در رابطه با رومینا اشرفی انجام می‌شد، احتمالا او اکنون در میان ما بود و پدری دستش با خون فرزند خود رنگین نمی‌شد. به‌هرحال ایجاد یک نظام مراقبت از افراد در معرض خشونت یکی از دغدغه‌های جدی کنشگران، فعالان و متخصصان این حوزه است که لازمه آن به‌خدمت‌گرفتن متخصصان این حوزه و ایجاد سازوکارهای پیاده‌کردن چنین اقداماتی است.

رخداد

باجگیری پس از سرقت گوشی

● **شرق:** دو سارق و مال‌خر اموال سرقتی که پس از سرقت گوشی تلفن همراه، قصد اخاذی از مال‌باخته را داشتند، دستگیر شدند. کارآگاه علی کنجوریان، رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی پایتخت گفت: هشتم اسفند سال گذشته یکی از شهروندان به کلانتری ۱۲۱ سلیمانیه مراجعه و اظهار کرد راکب و ترک‌نشین یک دستگاه موتورسیکلت در خیابان پیروزی گوشی سونی z3 وی را قاپیده و از محل گریخته‌اند. رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی بیان کرد: با دستور قاضی کشیک دادسرای ناحیه ۱۵ تهران، پرونده برای رسیدگی تخصصی به پایگاه ششم پلیس آگاهی ارجاع داده شد، ولی کارآگاهان با حضور در محل سرقت، سرنخی از سارقان به دست نیاوردند. او افزود: در ادامه تحقیقات پلیسی، شاکی با مراجعه به پلیس آگاهی اعلام کرد سارقان در تماس با وی واریز ۱۰ میلیون ریال به شماره کارت عابربانک به نام محسن را از وی درخواست کرده‌اند. این مقام انتظامی ابراز کرد: کارآگاهان در شاخه دیگری از تحقیقات پلیسی، صاحب شماره حساب را شناسایی کردند و با هماهنگی مقام قضائی، او احضار شد و به کارآگاهان اظهار کرد کارت عابربانک خود را به برادرش مجتبی داده است. در ادامه، شاکی با مشاهده تصاویر برادر مالک کارت عابربانک، او را یکی از سارقان معرفی کرد. وی با اشاره به اینکه با مشخص‌شدن هویت یکی از سارقان و بررسی سوابق او، کارآگاهان متوجه شدند مجتبی پنج فقره سابقه گوشی‌قاپی، مواد مخدر و کش‌روی دارد، ادامه داد: با دستور مقام قضائی دادسرای ناحیه ۱۵ تهران، مجتبی در سوم اردیبهشت دستگیر و به پایگاه ششم انتقال یافت. رئیس پایگاه ششم تصریح کرد: با انتقال متهم به پایگاه ششم پلیس آگاهی، وی لب به اعتراف گشود و به سرقت از شاکی معترف شد و اظهار کرد بعد از سرقت قصد داشتم مبلغی پول نیز از طریق کارت عابربانک برادرم از شاکی بگیرم. سرهنگ کنجوریان با بیان اینکه متهم در ادامه تحقیقات مقدماتی اظهار کرد سرقت را با همکاری یکی از دوستانش به نام وحید انجام داده است، گفت: وحید پس از دستگیری به پنج فقره سرقت با مجتبی اعتراف کرد و گفت: گوشی‌های مسروقه را به فردی به هویت فریدون فروخته‌اند. این مقام پلیسی گفت: با دستور قضائی، خریدار اموال مسروقه در خیابان پرستار دستگیر و در بازرسی از منزل او، دو دستگاه گوشی تلفن همراه مسروقه کشف شد و او به‌صراحت به خرید پنج دستگاه گوشی مسروقه از متهمان اعتراف کرد.